

است و اهمیتش در نزدیک انتخابات، از جهت حضور در عرصه ی انتخابات است؛ اما اهمیت امروزش از جهت مشغول کردن افراد به یکدیگر، گلاویز شدن با هم، بدگویی کردن از همدیگر و منصرف کردن ذهنها از مسائل اصلی است. مراقب باشید.

و من می دانم ملت ایران به توفیق الهی، به فضل الهی، این گردنه های گوناگون و پی درپی را با قدرت تمام پیش خواهد کرد و ان شاء... به قله ها دست خواهد یافت.

پروردگارا! قلب مقدس ولی عصر را نسبت به ما مهربان کن؛ دعای او را شامل حال ما کن؛ امام عزیزمان و شهیدای بزرگوارمان را با اولیائشان محشور کن؛ توفیق پیمودن راه درست را به همه ی ما عنایت کن.

والسّلام علیکم ورحمه ا... و برکاته

منبع: leader.ir



بیانات مقام معظم رهبری

دیدار جمعی از دانش آموزان و دانشجویان و تشکلهای مختلف دانشگاهی

۱۳۸۷/۰۸/۰۸

بسم...الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اولاً خوشامد عرض می‌کنم به همه‌ی شما جوانان عزیز؛ دانشجویان، دانش‌آموزان، فرزندان عزیز ملت ایران. و همچنین این، پیام قلبی و درود همیشگی من به همه‌ی جوانان عزیزمان در سراسر کشور است.

این جلسه به مناسبت سیزده آبان که در آستانه‌ی آن هستیم، تشکیل شده. و سیزده آبان روز بسیار مهمی است؛ به یک معنا روز دانش‌آموز است، به یک معنا روز دانشجویست، به یک معنا روز استواری ملت ایران در مقابل ترفند استکبار است. دو سه مطلب را من به این مناسبت به شما عزیزان عرض می‌کنم.

یک مطلب این است که شما که عاشق سربلندی ایران اسلامی هستید و خود را سرباز اسلام می‌دانید و همین‌طور هم هست، برای ساختن آینده‌ی مسئولیت‌بزرگی بر دوش دارید. این خصوصیت یک مکتب صادق و حقیقی و واقع‌بین است. همه مسئولند. جوان هم که در عنفوان شکوفائی استعدادهاست، جزو مسئولان است؛ مسئولیت فقط مال پیران و میان‌سالان نیست، بلکه می‌توان با یک

نگاهی گفت که جوان مسئولیت سنگین‌تری دارد؛

چرا؟ چون توانائی جوان، شکوفائی جوان، نیروی جوان بیش از دیگران است. جوان باید در درون خود، در دل خود، در وجدان خود احساس کند که نسبت به آینده‌ی این کشور، آینده‌ی این ملت، آینده‌ی این تاریخ، مسئولیت دارد. همین احساس مسئولیت بود که در دوران دفاع مقدس، اکثر جوان‌های متعهد را به میدان دفاع کشاند. جوان‌ها می‌توانستند توی خانه‌های خودشان، زیر سایه‌ی پدرها و مادرها و ناز و نوازش آن‌ها بمانند؛ نه در زمستان‌ها در کوه‌های برف‌آلود و

جوان باید در درون خود، در دل خود، در وجدان خود احساس کند که نسبت به آینده‌ی این کشور، آینده‌ی این ملت، آینده‌ی این تاریخ، مسئولیت دارد. همین احساس مسئولیت بود که در دوران دفاع مقدس، اکثر جوان‌های متعهد را به میدان دفاع کشاند.

خودشان خواهند رسید. ما تا حالا امتحان کرده‌ایم، ایستاده‌ایم، به هدفهای میان‌مدت رسیده‌ایم. یک جاهائی هم نابسامانی داریم، چون نایستادیم؛ تقصیر خود ماست. این طور نیست که من نابسامانی‌های کشور را ندانم؛ نخیر، می‌دانم. هر جائی که ما مشکل و نابسامانی داریم - اگر بی‌عدالتی است، اگر فقر است - برای خاطر این است که ما مسئولین و آحاد مردم، درست برای پیشبرد این هدفها نایستادیم. اگر می‌ایستادیم، اینجاها هم درست می‌شد. تقصیر خود ماست. باید بایستیم.

و شما جوان‌های عزیز - تشکلهای دانشجویی، دانش‌آموزی، جوان‌ها در خارج از تشکلهای - بدانید: امروز وحدت ملت ایران، وحدت ملت و دولت، اتحاد میان مسئولان کشور، رمز پیروزی است، که این را می‌خواهند به هم بزنند. من به شعارهای جوانی و شعار جوان‌ها اعتقاد دارم، اما مراقب باشید این شعارها اختلاف ایجاد نکنند، خواست دشمن را تأمین نکنند؛ در میدان تنظیم شده‌ی از سوی دشمن بازی نکنید. این را مراقب باشید. همه مراقب باشند؛ سیاسیون هم مراقب باشند، مطبوعاتی‌ها هم مراقب باشند، جوان‌ها هم مراقب باشند، خود مسئولین هم مراقب باشند.

دشمن طراحی می‌کند. تو میدانی که او درست کرده، بازی نکنید؛ چون چه ببرید، چه ببازید، به نفع اوست. طراحی دشمن ایجاد اختلاف است، ایجاد ناامیدی است، به جان هم انداختن فعالان سیاسی است، منزوی کردن خط اصیل و ارزشهای اسلامی است. این کارها، نقشه‌های دشمن است؛ سرگرم کردن جوان‌ها به هوی و هوس و لغویات و غافل کردن آن‌ها از حرکت عمومی ملت ایران، به تعطیلی کشاندن مدارس، به تعطیلی کشاندن کلاسهای دانشجویی. این‌ها نقشه‌های دشمن است. باید مراقب بود. باید در مقابل هر کاری که به این نقشه‌ها منتهی می‌شود، ایستاد. وحدت را باید حفظ کرد، امید را باید حفظ کرد، تلاش را باید روزه‌روز بیشتر کرد و با یکدیگر صادق بود و دلها را به هم نزدیک کرد و در وظائف گوناگون

امروز وحدت ملت ایران، وحدت ملت و دولت، اتحاد میان مسئولان کشور، رمز پیروزی است، که این را می‌خواهند به هم بزنند.

اجتماعی، باید پرشور حرکت کرد. بعضی از افراد از حالا مسائل انتخابات را شروع کردند - با اینکه هنوز خیلی هم مانده، عجله کردند - این مسائل انتخاباتی خیلی مهم

دولت حماس با انتخابات مردم سر کار آمده - سر کار است، با انواع ملعنتها و خباثتها می خواهند این دولت را زیر فشار قرار بدهند. در عراق دارند نشان می دهند؛ قرارداد امنیتی ای را به زور می خواهند تحمیل کنند؛ خفه کردند همه را از بس فشار آوردند. حالا که ملت عراق و مسئولین عراق سرشان را بلند کردند، می گویند ما قبول نداریم، دارند فشار می آورند و تهدید می کنند؛ در حالی که این دولت کنونی عراق با آراء مردم سر کار آمده. دموکراسی یعنی چه؟ غیر از این است؟! صاحب نظرانشان مکرر در طول این سالهای متمادی اعتراف کرده اند، تو گزارشهایشان نوشته اند که در خاورمیانه دموکرات ترین کشورها، جمهوری اسلامی است. انتخابات دارد؛ رئیس جمهور، نمایندگان مجلس، خود رهبری، نمایندگان مجلس خبرگان رهبری با آراء مردم انتخاب می شوند؛ این را اعتراف می کنند. در عین حال با جمهوری اسلامی این جور رفتار می کنند! این شعارهای جمهوری خواهی و دموکراسی خواهی و حقوق بشر، کهنه شده است. حتی آحاد ملتها هم دیگر این حرفها را باور ندارند، چه برسد به صاحب نظران و زیدگان.

امروز رئیس جمهور آمریکا تو هر کشوری از کشورهای دنیا که وارد می شود، مردم آن کشورها جمع می شوند و به او خطاب می کنند: برگرد به خانه ات؛ یانکی! برگرد به خانه ات. دیگر بی آبرویی از این بالاتر. این، آبروی امروز آمریکاست. اگر قرار بود آمریکا بتواند جلوی ملت ایران را سد کند، ملت ایران را به بن بست برساند، آن روز می کرد که این بی آبرویی ها نبود. امروز نمی تواند.

من به شما عرض کنم: جوان های عزیز! آینده مال شماست؛ آینده متعلق به ملت ایران است. آینده ی

ملت ایران، رسیدن به قله های والای علم،

من به شما عرض کنم: جوان های عزیز! آینده

مال شماست؛ آینده متعلق به ملت ایران است.

آینده ی ملت ایران، رسیدن به قله های والای

علم، اقتدار، رفاه و شرف است. این آینده ی

حتمی شماست. و این وعده ی الهی است.

اقتدار، رفاه و شرف است. این آینده ی حتمی شماست. و این وعده ی الهی است. قرآن به ما وعده داده است، اسلام به ما وعده داده است که اگر ملتها حرکت کنند، ایمان نشان بدهند، غیرت نشان بدهند، خسته نشوند، صبر پیشه

کنند، استقامت کنند، حتماً به هدفهای

سر به فلک کشیده ی غرب، نه در تابستان ها در بیابان های تفتیده ی خوزستان حاضر نشوند و راحت باشند؛ اما احساس مسئولیت نگذاشت دنبال راحتی باشند. آن ها توی میدان آمدند و نتیجه، یک نتیجه ی معجز آسا شد.

من مشتاقم که جوان های ما قصه ی جنگ تحمیلی هشت ساله را بدانند که چه بود. این را بارها گفته ایم؛ افراد هم گفته اند و تشریح کرده اند؛ اما یک نگاه کلان به این هشت سال، با اطلاع از جزئیاتی که وجود داشته است، خیلی برای برنامه ریزی آینده ی جوان در روزگار ما مهم است. خوشبختانه کتابهای خوبی هم نوشته شده است. من با اینکه وقت زیادی ندارم، بسیاری از کتابهایی را که در باب مسائل دفاع مقدس هست، نگاه می کنم؛ برای خود من مفید است. این کتابها را بخوانید، بدانید، ببینید؛ شرح حال این جوان های برجسته را بشناسید. تعدادی از این جوان های برجسته ی میدان جنگ، همان کسانی بودند که در روز سیزده آبان، آن حماسه ی بزرگ را آفریدند، بعد هم رفتند توی میدان جنگ. بسیاری از آن ها امروز جزو چهره های ماندگار واقعی تاریخ ما هستند. احساس مسئولیت، این است.

در جنگ هشت ساله که در واقع همه ی نیروهای مسلط دنیای آن روز - چه شوروی آن روز، چه آمریکای آن روز، چه فرانسه ی آن روز، چه بلوک شرق اروپائی آن روز، چه کشورهای مرتجع منطقه - با هم همدست شده بودند و به رژیم بعثی پول و نیرو و اطلاعات و سلاح تزریق می کردند، در مقابل کشور و ملتی قرار گرفتند که آنچه داشت، عبارت بود از اراده و ایمان. سلاح نداشت، مهمات نداشت، اطلاعات کافی و وافی نداشت؛ اما ایمان، آن ها را مثل پولاد، مثل صخره استوار کرده بود. این دو جناح متفاوت با هم مواجه شدند و این جناح بر آن جناح غلبه کرد. یعنی نیروی ایمان ملت ایران بر آن نیروی عظیم و گسترده - که پول و اطلاعات و سلاح و تجهیزات و همه چی در اختیار داشت - غالب و پیروز شد. این، احساس مسئولیت بود.

قبل از ماجرای جنگ تحمیلی هم، در خود ماجرای انقلاب، اراده ی جوان ها، احساس مسئولیت جوان ها، این معجزه ی بزرگ تاریخی را آفرید که سنگر و قلعه ی مستحکم استکبار در این منطقه - یعنی رژیم پادشاهی ایران - را همین دستهای استوار و مؤمن فرو ریختند و یک نظام مردمی و

اسلامی بر پا کردند. احساس مسئولیت این است.

فردای این کشور، فردای این ملت، به احساس مسئولیت امروز شما نیازمند است. احساس مسئولیت کنید که چه بشود؟ که خود را بسازید؛ از لحاظ علمی بسازید، از لحاظ ایمان و تقوا بسازید، بصیرت خودتان را زیاد کنید، آگاهی‌های خودتان را نسبت به امروز و دیروز و فردا افزایش بدهید. ده سال دیگر، دوازده سال دیگر، همه‌ی شما جمعیتی که اینجا هستید و نظائر شما در سرتاسر کشور، جوانان تحصیل کرده‌ای هستند که وارد

میدان عرصه‌ی زندگی ملت ایران خواهند شد و بسیاری از شماها مسئولیتهائی در اختیارتان خواهد بود. رؤسای جمهور آینده، وزرای آینده، مدیران آینده و برجستگان گوناگون بخشهای مختلف آینده - آن کسانی که طراحند، برنامه ریزند، متفکرند، تئورسین اداره‌ی کشور هستند - از میان شماها پدید می‌آیند؛ از میان شماها برمی‌خیزند. این مدیران و این برنامه‌ریزان، هم باید عالم باشند، هم به معنای حقیقی کلمه باید متدین، پاکدامن و بصیر باشند. این نمی‌شود، مگر اینکه شما از حالا خودتان را آماده کنید. این مطلب اول.

شما فرزندان منید و آنچه را که انسان برای فرزند خود دوست می‌دارد، او بهترین هاست. و این، بهترین است. باید خودتان را آماده کنید. این راهی که این ملت در پیش گرفته است، راهی نیست

که به این زودی‌ها به پایان برسد؛ راه اعتلای یک ملت است؛ راه جبران عقب افتادگی‌های یکی دو قرن اخیر است. حالا در نکته‌ی بعدی عرض می‌کنم که این بسیار مهم است که شما امروز خودتان را آماده کنید برای فردا.

مطلب دوم این است که نظام جمهوری اسلامی با

باید خودتان را آماده کنید. این راهی که این ملت در پیش گرفته است، راهی نیست که به این زودی‌ها به پایان برسد؛ راه اعتلای یک ملت است؛ راه جبران عقب افتادگی‌های یکی دو قرن اخیر است.

مطلب سوم و مطلب آخر این است که حالا پایان این رویارویی و مقابله چه خواهد بود؟ این مهم است. همه‌ی دستگاه‌های تبلیغاتی غرب و بخصوص آمریکا - دستگاه‌های هنری، دستگاه‌های مطبوعاتی، دستگاه‌های گوناگون تبلیغاتی، دستگاه‌های به ظاهر پژوهشی سیاسی یا علمی - تلاش می‌کنند این جور وانمود کنند که پایان این راه برای ملت ایران بن‌بست است و آمریکا در راه خود پیش می‌رود! این، دروغ محض است؛ قضیه عکس است. پایان این راه، بن‌بست برای رژیم طاغوت و رژیم استکبارگر آمریکاست. دلیل واضحش این است که اگر قرار بود آن‌ها بتوانند ملت ایران را شکست بدهند، آن روزی می‌توانستند شکست بدهند که این ملت نه این همه جوان داشت، نه این پیشرفت‌ها را داشت، نه این تجربه‌ها را داشت، نه در یک نبرد و کارزار عظیمی مثل دفاع مقدس پیروز شده بود، نه در عرصه‌های سیاسی گوناگون قدرت خودش را نشان داده بود؛ آن روز می‌توانستند - اگر بنا بود بتوانند ملت ایران را شکست بدهند - و آن روز شکست می‌دادند؛ نه امروز که ملت ایران تجربه‌اش بیشتر است، دستش قویتر است، امکانات علمی‌اش بمراتب از آن گذشته پیشرفته‌تر است، توانائی‌های نظامی‌اش چندین و چندین برابر آن روزهاست، زبان نافذش در بین ملتها بیشتر از گذشته است و جوان‌های بیشتری از آن روز دارد. آن روز ملت ایران در بین جمعیت چهل میلیونی و چهل و پنج میلیونی و بتدریج پنجاه میلیونی‌اش جوان‌ها در اقلیت بودند، امروز در جمعیت هفتاد و چند میلیونی ملت ایران، جوان‌ها در اکثریتند. آن روز آمریکا در دنیا آبرویش خیلی بیشتر از امروز بود. امروز آمریکا در دنیا بی‌آبروست. امروز نه فقط ملتهای مسلمان، حتی بسیاری از ملتهای غربی از آمریکا روگردانند. بسیاری از صاحب‌نظران در خود کشور آمریکا و خیلی از مردمشان، نسبت به رژیم حاکم بر آن کشور معترضند.

امروز شعارهای اساسی آمریکا که با او سر ملتها را می‌بریدند و ذبح می‌کردند و دولتهای ملی را از اریکه‌ی قدرت به زیر می‌کشیدند، مفتضح شده؛ مثل شعار حقوق بشر، مثل شعار دموکراسی.

حقوق بشرشان را در زندان‌های ابوغریب و گوانتانامو و زندان‌های متعدد دیگری از این قبیل نشان دادند. حقوق بشرشان را در کشتارهای گوناگون در افغانستان و امروز در پاکستان دارند نشان می‌دهند. دموکراسی‌خواهی‌هایشان را هم در فلسطین اشغالی نشان می‌دهند؛ یک دولت مردمی -

می خواهد، این است که ملت ایران وابستگی را قبول کند، استقلال به دست آمده‌ی خودش را از دست بدهد و به دست خودش دوباره تسلیم قدرت آمریکا شود. آن‌ها از ملت ایران این را توقع دارند و فشارهایی که می‌آورند، برای این است. برای این است که دولتهای جمهوری اسلامی را خسته کنند، ملت را خسته کنند؛ در بین راه، ملت بگویند دیگر بس است، ما خسته شدیم؛ دولتها هم عقب بنشینند، تا آمریکا باز همان شیوه‌ای را که در گذشته با این کشور داشته و امروز با بعضی از کشورهای دیگر دارد، دنبال کند. آن‌ها دنبال وابستگی اند.

از طرف نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران هم مسئله‌ی ما با آمریکا این نیست که حالا بر سر دو تا موضوع جهانی یا بین‌المللی یا منطقه‌ای با هم اختلاف نظر داریم، برویم بنشینیم با مذاکره حل کنیم. مسئله مثل مسئله‌ی مرگ و زندگی است؛ مسئله‌ی هست و نیست است.

نهضت امام (رضوان ... علیه) و نهضت روحانیت شروع شد تا پیروزی انقلاب، آنچه خواستند علیه ملت ایران توطئه کردند، ضربه زدند، خیانت کردند، فشار وارد آوردند و انواع و اقسام شیوه‌های مستکبرانه را با این ملت به کار بردند. بعد از پیروزی انقلاب - الان، سی سال است - هیچ روزی نبوده است که آمریکا نسبت به ملت ایران نیت خیری داشته باشد؛ از کارهای گذشته‌ی خودش عذرخواهی بکند؛ صادقانه دست از استکبار و طمع‌ورزی نسبت به ملت ایران بردارد. مسئله‌ی ما با آمریکا این نیست که حالا بر سر دو تا موضوع جهانی یا بین‌المللی یا منطقه‌ای با هم اختلاف نظر داریم، برویم بنشینیم با مذاکره حل کنیم. مسئله مثل مسئله‌ی مرگ و زندگی است؛ مسئله‌ی هست و نیست است. این نکته‌ی دوم، که این را شما جوان‌ها بدانید؛ ما اهل سئزه‌گری نیستیم؛ اما اهل حفظ هویت خود، استقلال خود، عزت خود هستیم. هر کسی که عزت ملت ایران را بخواهد پایمال کند، ملت ایران را تحقیر کند، بخواهد دست سلطه را بر این ملت دراز کند، ملت ایران با غیرت خود، با ایمان خود این دست را قطع می‌کند.

دنیای استکبار، با آمریکا، با دولتهای دیگری از بلوک استکبار، معارضات و اختلافاتی دارد. اختلاف بر سر چیست؟ این نکته‌ی مهمی است. دعوا سر چیست که امروز وقتی تحلیلگران تحلیل می‌کنند، می‌گویند در مسائل گوناگون دنیا که آمریکا وارد می‌شود، گوشه‌ی چشمی به جمهوری اسلامی و ملت ایران دارد؛ چرا؟ علت چیست؟ ما هم وقتی به مسائل داخلی خودمان نگاه می‌کنیم، می‌بینیم بسیاری از مشکلات ملت و کشور ما به طرق مختلف، از ناحیه‌ی تحمیل آمریکائی‌هاست؛ چرا؟ علت چیست؟ بایستی این را با نگاه دقیق جستجو و پیدا کرد.

دعوا بر سر چند مسئله‌ی سیاسی نیست. خوب، دو کشور با همدیگر سر مسائلی ممکن است اختلاف داشته باشند که می‌نشینند با مذاکره این اختلاف را حل می‌کنند؛ تمام می‌کنند. مسئله‌ی جمهوری اسلامی و دولت مستکبر آمریکا از این قبیل نیست. مسئله، مسئله‌ی دیگری است؛ مسئله ریشه‌ای تر است. مسئله این است که رژیم ایالات متحده‌ی آمریکا از بعد از جنگ جهانی دوم، داعیه‌ی ابرقدرتی مطلق دنیا را داشت. البته آن روز شوروی در مقابلش بود، اما این مسئله‌ی رقابت بین آمریکا و شوروی آن روز صرفاً رقابت بین دو ابرقدرت نبود. آمریکا می‌خواست بر روی تمام منابع حیاتی عالم دست بگذارد. عملاً هم منطقه‌ی عظیم و حساسی که به آن خاورمیانه می‌گویند و شمال آفریقا و خلیج فارس - منطقه‌ی نفت - در پنجه‌ی اقتدار آمریکا بود. نفت، خون حیاتبخش تحرک دنیای امروز است. حالا فردا چه بشود، نمی‌دانیم؛ اما امروز و توی این دنیا، نفت مایه‌ی تولید، مایه‌ی گرما، مایه‌ی نور و روشنایی و در واقع مایه‌ی حیات برای خیلی از کشورهاست. اگر نفت نباشد، کارخانه‌ها نیست، تولیدات نیست، تجارتها نیست. نفت یعنی خون؛ یعنی زندگی. حالا بخش اعظم این نفت توی این منطقه است؛ منطقه‌ای که اسمش خاورمیانه است. تسلط بر اینجا مهم است که آمریکا هم تسلط پیدا کرده بود.

در وسط خاورمیانه، ایران قرار داشت؛ پایگاه اصلی استکبار. در اطراف ایران کشورهای مختلفی بودند که هر کدام به نحوی در اختیار آمریکا بودند. شوروی البته در این خلال دست‌اندازی‌هایی کرده بود، اما آمریکائی‌ها غلبه داشتند و این روال باید ادامه پیدا می‌کرد. البته طمع‌ورزی مخصوص این منطقه و مخصوص نفت هم نبود. آمریکائی‌ها در آمریکای لاتین، در آفریقا، در شرق آسیا و در

جاهای مختلف - که حالا جای تفسیر آن نیست؛ یک وقتی به شما جوان‌ها عرض خواهم کرد - مشغول تحکیم قدرت خودشان بودند و پیش هم می‌رفتند و روزبه‌روز سلطه را تقویت می‌کردند و رقبایشان روزبه‌روز عقب می‌کشیدند.

در وسط این بحبوحه‌ی روزافزونی اقتدار استکباری و در حساس‌ترین نقطه، انقلاب اسلامی در ایران به وجود آمد که مهمترین شعار این انقلاب مقابله با ظلم و استکبار بود؛ دفاع از حقوق ملت‌ها بود. انقلاب اسلامی این نقطه‌ی اصلی یعنی ایران را از زیر سیطره‌ی آمریکا بیرون کشید. یک روز آمریکائی‌ها توی همین کشور شما، توی همین تهران شما، توی مناطق مختلف کشور، در همه‌ی نقاط حساس، آدم داشتند؛ در نیروهای مسلح، در بخشهای مربوط به مالیه و دارائی، در بخشهای حساس سیاست، در بخشهای امنیت، عناصر و آدمهای آن‌ها همه کاره بودند. خود شاه مملکت هم که رئیس همه‌ی دستگاه‌های کشور بود و دخالت در همه‌ی امور می‌کرد، گوشش به دهان سفیر آمریکا و سفیر انگلیس بود. اگر آن‌ها چیزی می‌خواستند و اصرار داشتند، او ناگزیر، خواه و ناخواه، اطاعت می‌کرد. گاهی هم نمی‌خواست، اما مجبور بود اطاعت کند و اطاعت می‌کرد. از یک چنین نقطه‌ای آمریکائی‌ها بیرون رانده شدند. خوب، این خیلی حادثه‌ی مهمی بود؛ این زخم کوچکی نبود.

بر طبق معمول، دولت‌های استکباری که از طریق سفارتخانه‌هایشان در داخل کشورها سمپاشی می‌کنند، ارتباط برقرار می‌کنند، امکانات جاسوسی برقرار می‌کنند - که الان هم می‌کنند؛ الان هم در دنیا این کار معمول است. از طریق سفارتخانه‌ها فسادهای گوناگونی می‌کنند - از این طریق مشغول شدند به کار کردن. حرکت جوان‌های دانشجو به عنوان «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» این ترفند را هم باطل کرد. آن‌ها رفتند سفارت را گرفتند و اسناد را بیرون کشیدند. الان حدود صد جلد کتاب چاپ شده که در واقع اسناد است. من نمی‌دانم شما جوان‌ها این کتابهای اسناد لانه‌ی جاسوسی را خوانده‌اید، می‌خوانید یا نه؛ خواندنی است، خواندنی است. ببینید سفارت آمریکا آن روز در ایران چه کار می‌کرده، با کی‌ها ارتباط برقرار می‌کرده و نقش این سفارت در طول سالهای متمادی قبل از انقلاب چه بوده است.

دانشجویان ما این حرکت بزرگ را انجام دادند. آمریکائی‌ها هنوز دل‌پری خودشان را نسبت به این حرکت پنهان نمی‌کنند. متأسفانه در داخل کشور هم یک عده آدمهای پشیمان، آدمهای خسته، آدمهای هوسی - که با هوس، حرکتی را انجام می‌دهند، بعد دنبال زندگی راحت خودشان که می‌گردند، هوسهایشان عوض می‌شود - از بین همان جوان‌های آن روز، آن کار را تخطئه کردند و تخطئه می‌کنند! اما بدانید، کار بسیار بزرگی بود. همان طور که امام فرمودند، از انقلاب اول بزرگتر بود؛ چون فرو ریختن هیمنه‌ی سلطه‌ی آمریکائی و استکبار آمریکائی در ایران و در جهان بود.

یک چنین حادثه‌ی بزرگی اتفاق افتاده. این، زخم کوچکی نیست. قضیه به اینجا هم خاتمه پیدا نکرد. بقای نظام اسلامی و انقلابی، پیشرفت نظام انقلابی، فتوحات گوناگون نظام انقلابی در عرصه‌های مختلف؛ در عرصه‌ی نظامی مثل دفاع مقدس، در عرصه‌های علمی و در عرصه‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی روی ملت‌های دیگر، روزبه‌روز اثر گذاشت و ملت‌های دیگر هم - ملت‌های این منطقه و ملت‌های مسلمان که دل‌هایشان پر بود و رهبر نداشتند - وقتی دیدند در ایران چنین حادثه‌ای اتفاق افتاده، کأنه حکایت دل آن‌ها بود. لذا ملت‌ها به نظام اسلامی، به رهبری اسلامی، رهبری امام (رضوان... تعالی علیه) و به نظام جمهوری اسلامی دلباخته شدند که امروز هم همین جور است. امروز هم ملت‌ها در دنیای اسلام - از غرب دنیای اسلام بگیرید، تا شرق دنیای اسلام؛ در همه جا - با چشم اعجاب و تحسین، با حالت غبطه، به ملت ایران و این حرکت نگاه می‌کنند. این‌ها هم زخم

آمریکائی‌ها را عمیق‌تر می‌کرد و این، انگیزه‌ی

آمریکا برای مخالفت با جمهوری اسلامی است.

آمریکا می‌خواهد نظام جمهوری اسلامی دست‌هایش را بالا کند و اظهار خستگی کند؛ از کاری که کرده است، پشیمان شود و در مجموعه‌ی عوامل و مزدوران و دست‌پروردگان و دنباله‌روان نظام طاغوت قرار بگیرد. نظام استکبار این را می‌خواهد.

آمریکا می‌خواهد نظام جمهوری اسلامی

دست‌هایش را بالا کند و اظهار خستگی کند؛ از

کاری که کرده است، پشیمان شود و در

مجموعه‌ی عوامل و مزدوران و دست‌پروردگان و

دنباله‌روان نظام طاغوت قرار بگیرد. نظام استکبار

این را می‌خواهد. آنچه آمریکا از ملت ایران